**استاد معظم آقای حاج سید محمد جواد شبیری**

**جلسات علمی**

**رمضان المبارک 1446.ق**

موضوع: روش‌های رفع اجمال با تکیه بر احادیث فقهی

18 /12 /1403

متن خام

جلسه 5

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین انه خیر ناصر و معین الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد و آله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین من الآن الی قیام یوم الدین

بحث سر این بود که در تفسیر یک آیه و رفع اجمال بدوی از یک آیه شریفه یکی از مهمترین راهها مراجعه به روایاتی هست که در ذیل این وارد شده البته روایاتی که در ذیل یک آیه وارد شده گاهی اوقات صریحا ناظر به آیه هست و تفسیر آیه می­کند گاهی اوقات نه صریحاً نیست ولی قرائنی اقتضا می­کند که آن ناظر به آیه باشد.

یک مشکلی که احیاناً در بحث اجمال به وسیله روایات هست اینکه گاهی اوقات چند تفسیر برای آیه در روایات ذکر شده حالا این تفسیرات مختلف را چگونه باید با هم جمع کنیم

ما به تناسب این بحث که سابقاً مطرح می­کردیم به آیه شریفه وَأَتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ پرداختیم و عرض کردیم که خود أَتِمُّوا اجمال دارد که آیا أَتِمُّوا به معنای این هست که اگر حج را شروع کردید او را پایان ببرید یا نه این قید اگر حج را شروع کرده ندارد و مراد از أَتِمُّوا این است که یک حج کامل تحویل بدهید ایتوا بهما تامّین.

روایاتی که در ذیل این آیه وارد شده صریح هست در این معنا که می­خواهد بگوید عمره واجب هست و همین آیه هم وجوب عمره استفاده می­شود دو تا روایت اینجا هست روایت معاوین بن عمار و روایت زراره بود در روایت معاویة بن عمار و زراره علاوه بر اینکه اشاره می­کنند در ذیل همین آیه شریفه که این آیه ازش وجوب عمره استفاده می­شود یک تعبیری وارد شده در آن این تعبیر در واقع مکمل استدلال به آیه هست آن تعبیر این است إِنَّمَا أُنزِلت الْعُمْرَةُ بِالْمَدِينَة یا إِنَّمَا نَزَلَتِ الْعُمْرَةُ بِالْمَدِينَة ابتدا مطرح می­کند که عمره واجب است عَلَى مَنِ اسْتَطَاعَ در ذیلش می­گوید إِنَّمَا أُنزِلت الْعُمْرَةُ بِالْمَدِينَة یا إِنَّمَا نَزَلَتِ الْعُمْرَةُ بِالْمَدِينَة . در اینکه این عبارت مکمل استدلال به آیه شریفه هست تردیدی نیست ولی دو بیان وجود دارد این دو احتمال وجود دارد که چیزی را دارد تکمیل می­کنند ببینید أ وَأَتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ یکی کلمه أَتِمُّوا در آن به کار رفته یکی کلمه عمره در آن به کار رفته آیا إِنَّمَا أُنزِلت الْعُمْرَةُ بِالْمَدِينَة یا إِنَّمَا نَزَلَتِ الْعُمْرَةُ بِالْمَدِينَة مفاد أَتِمُّوا را دارد تفسیر می­کند یا مفاد العمره را دارد تفسیر می­کند خب این مورد کلام قرار گرفته.

 حاج آقا در بعضی درسهای حجشان مطلبی دارند که من مطلب حاج آقا را بخوانم یک توضیحاتی در مورد مطلب حاج آقا عرض بکنم و یک مکملی هم عرض کنم در مورد این بحث حاج آقا دارند که می­گویند نقلهای مختلف این روایت را ذکر کردند که در کافی و علل و تفسیر عیاشی وارد شده و در هر سه نقل این سوال را مطرح کردند در هر سه نقل عبارت یقول یعنی یقول الله وَأَتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ با إِنَّمَا أُنزِلت الْعُمْرَةُ بِالْمَدِينَة یا إِنَّمَا نَزَلَتِ الْعُمْرَةُ بِالْمَدِينَة چه ارتباطی دارد:

 این عبارت در روایت زراره نیز آمده بود در واقع ارتباط وَأَتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ و عبارت إِنَّمَا نَزَلَتِ الْعُمْرَةُ بِالْمَدِينَة دو احتمال می­توان ذکر کرد:

 احتمال اول کسی توهم نکند که آیه وَأَتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ مربوط به عمره تمتع است و شامل عمره مفرده نمی­شود حضرت برای دفع این توهم می­فرماید نه؛ بنابر روایات متعدد عمره تمتع در حجة الوداع نازل شد و بعد از انجام سعی، جبرییل نازل شد یعنی در کوه مروه یعنی در مکه و دستور عدول از إفراد به تمتع از سوی خداوند متعال ابلاغ شد یعنی حج إفراد را به حج تمتع تبدیل کرد و وقتی تبدیل به حج تمتع کرد آن قسمتهای از حج افراد را که انجام داده مربوط به عمره تمتع می­شود چون عمره تمتع مشتمل بر عمره تمتع و حج تمتع هست آن قسمتهای اولش مربوط به قطعه اول حج تمتع که عمره تمتع باشد می­شود و آیه وَأَتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ در شهر مدینه نازل شده است نه در شهر مکه که گفته شود که آیه شامل عمره مفرده نمی­شود و فقط نازل به عمره تمتع می­باشد.

 احتمال دوم: شاید این احتمال از احتمال اول اقوی باشد و آن این است که با توجه به آیه وَأَتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ ممکن است گفته شود اگر این آیه در سال صلح حدیبیه هنگام حرکت حضرت به طرف مکه به قصد انجام عمره نازل شده وجه صحیحی برای استفاده لزوم اتمام از آیه پیدا می­شود و آن اینکه آیه می­فرماید حج عمره ای را که شروع کرده‌اید باید تمام کنید مگر اینکه دشمن فشارهای بسیاری وارد کند فَإِنْ أُحْصِرْتُمْ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ در این صورت تکلیف دیگری دارد و الا در صورت امکان باید عمل شروع شده را تمام کرد در این فرض که حج عمره آغاز شده است این دغدغه وجود دارد که این عمل ناقص رها بشود و لذا در این فرد مناسب است گفته شود شما این عمل را تمام کنید و دیگر این آیه ظهور در احداث نخواهد داشت و واجب است که احداث کنید می­گوید اگر احداث کردید لازم است تکمیل کنید ولکن اگر هیچ حجی آغاز نشده باشد و مسلمانان در مدینه باشند مناسب نخواهد بود که خطاب به آنها گفته شود شما حج و عمره را تمام کنید و مراد این باشد که اگر حج عمره را آغاز کردید تمام نمایید مناسب این است که به صورت قضیه شرطیه گفته شود این استدلال در کلمات مفسرین زیادی هست که ظهور دلیل به جهت آنکه به صورت قضیه شرطیه گفته نشده در همین است که می­خواهد بگوید که عمره را شروع کنید و عرض کنم نه اینکه اگر شروع کردید تکمیلش کنید

شاگرد: حضرتعالی هم جلسه قبل همین را گفتید

استاد: بله.

و حال اگر در این حال مشغول عمل نباشد گفته شود عمل را تمام کنید ظاهر در این خواهد بود که این عمل را آغاز نمایید و آن را به صورت کامل انجام دهید و به احتمال اقوی حضرت می­خواهند بفرمایند که این آیه در اثنا عمل حج و عمره نازل نشده که معنای تمیم و تکمیل باشد بلکه در مدینه قبل از انجام حج نازل شده است که در این صورت به معنای احداث خواهد بود

 حالا من یکی دو نکته می­خواهم اینجا تذکر بدهم. نکته اول: در مورد ادامه این آیه در این حدیث شریف من یک شبهه ای از قدیم به ذهن من بود که در مورد وَأَتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ روایت تعبیر نمی­کند «و انما نزلت هذه الآیه بالمدینه» می گوید: «و انما نزلت العمرة بالمدینه» چرا این تعبیر می­کند در حالی‌که طبیعی این بود بگوید این آیه در مدینه نازل شده حالا در مدینه نازل شدن در مقابل در حدیبیه نازل شدن است یا در مقابل در مکه نازل شدن است هر کدام باشد به طور طبیعی باید بگوید «انما نزلت هذه الآیه». گفته «نزلت العمرة بالمدینه» این فاعل نزلت العمره قرار دارد.

نکته دوم: «انما» که دلالت بر حصر می­کند برای چه اینجا ذکر شده؟ به طور طبیعی این بود «و قد نزلت العمرة بالمدینه» مثلاً؛ یا اگر آن نکته اول را هم ملاحظه بکنیم باید بگوییم نزلت هذه الآیة فی المدینه این دو تا سوال مطرح هست.

 من فکر می­کنم این دو تا سوال را اگر بخواهیم پاسخ بدهیم خود پاسخ این سوالات تقویت احتمال دومی هست که در فرمایش حاج آقا ذکر شده و با توجه به این و نکات دیگری که بعد عرض می­کنم ظهور روایت در احتمال دوم هست همچنان که حاج آقا همین را تقویت فرمودند.

 آن این است که امام علیه السلام اینحا نمی­خواهد مستقیماً بیان کند که این آیه در مدینه نازل شده آن چیزی که مدلول مطابقی آیه هست این است که آیه عمره فقط در مدینه نازل شده یعنی خود عمره یعنی حکمی که مربوط به عمره است آیه ای که مربوط به عمره است نه خصوص این آیه خاص می­گوید خداوند درباره عمره فقط در مدینه قرآن نازل کرده در مدینه قرآن نازل کرده این چه می­خواهد بگوید می­خواهد بگوید که منحصراً اولاً یک بار بیشتر آیه ای در مورد عمره نازل نشده نه متعدد نازل شده باشد خب بحث سر این است اگر چرا می­خواهد بگوید یک بار نازل شده بیشتر نازل نشده این همان نکته ای بود که من در جلسات قبل به آن اشاره کردم آن این است که آیه قرآن ناظر به قضایای کلی و محل ابتلا هست قضایای محل ابتلا هست خب وقتی هنوز حکم عمره معلوم نیست که واجب است یا واجب نیست یک بار هم بیشتر نازل نشده خب پیداست که به همان اصل مشروعیت عمره ناظر است. اگر دو بار نازل شده بود خب می­گفتیم دفعه اول اصل مشروعیت را بیان کرده بود دسته دوم فروع مشروعیت را بیان کرده ولی وقتی یک بار بیشتر نازل نشده باید به اصل مشروعیت ناظر باشد دیگر و اصل مشروعیت با این است که أَتِمُّوا الحج و العمرة لله به معنای واجب مطلق باشد و اتموا به معنای این است که حج کامل را بجا بیاورید، حج کامل را انجام دهید. این یک نکته؛

 بله اگر در هنگام صلح حدیبیه در آن سفر صلح حدیبیه و بعد از محرم شدن، حالا صلح حدیبیه خصوصیات ندارد یعنی بعد از شروع حج آیه نازل شده باشد خب بعد از شروع حج آن چیزی که محل ابتلا مردم است این نیست که حالا این حج واجب بوده شروع کنم یا واجب نبوده خب بالاخره واجب بوده یا واجب نبوده شروع کردم آن چیزی که در آن حال محل ابتلا هست و سوال سائل وجود دارد این است که این حجی که شروع کردیم باید تمام بکنم یا نباید تمامش بکنم طبیعتاً این می­خواهد بالمدینه اشاره به این دارد که این آیه در اثنا عمره و حج نازل نشده یعنی عمره اثنا عمره حج نازل نشده یک بار هم بیشتر آیه نازل نشده یک آیه بیشتر در مورد عمره نازل نشده بالملازمه فهمیده می­شود که این آیه در مدینه نازل شده بنابراین آیه­ای که در مدینه نازل شده قهراً نتیجه آن این است که عرض کنم این ناظر به احداث است و لزوم به احداث هست من داشتم مراجعه می­کردم به کتب تفسیری یک عبارتی را حالا فرصت نکردم این بحث را کامل در همه کتب تفسیر ببینیم ولی یک عبارتی را در کتاب لباب دیدم جلد3 صفحه360، کتاب لباب برای قرن9 است این حدودهاست بحثش در مورد همین است که آیا این آیه دال بر وجوب حج عمره است یا دال بر این است که حج عمره اگر شروع شد تکمیلش کنید آن هم مایل به این است که این آیه ناظر به این است که حج را باید شروع کنیم اصل احداث حج را می­گوید واجب هست ادله ای ذکر می­کند ادله مختلفی ذکر می­کند یکی از این ادله همین جمله شرطیه بود که اشاره کردم آن را ذکر می­کند؛ یک دلیلی ذکر می­کند که همین دلیلی بود که من اشاره کردم با یک نکته ای اضافه دارد که به خاطر آن نکته عبارتش را آوردم می­گوید:

 ان اهل التفسیر ذکروا انّ هذه الآیه اول آیة نزلت فی الحج فحمْلها علی ایجاب الحج اولیٰ من حملها علی وجوب الاتمام بشرط الشروع اهل تفسیر گفته این اولین آیه است و اولین آیه مناسب این است اصل حکم را بیان کند اصل حکم را بیان کند البته بحث ایشان فقط در عمره نیست بحثی که لباب دارد نسبت به حج هم هست چون حج آیات دیگر هست لله علی الناس حج البیت من استطاع إلیه سبیلا در آیه دیگر هم هست از او وجوب حج استفاده می­شود در مورد حج بحثی نیست اگر این آیه هم نباشد دال بر وجوب حج، در مورد حج آیات دیگر هست و مسئله تمام است؛ ولی بحث سر این است از این آیه چه استفاده می­شود می­گوید در آغازی که هنوز هیچ آیه ای در مورد حج عمره نازل نشده این آیه را آوردن متناسب این است که این ناظر به احداث حج باشد ایجاب حج باشد نه ناظر به فروع مسئله باشد به همان نکته ای که اشاره کردم

شاگرد: قبل از آن هم حج به جا می آوردند

استاد: حج به جا می­آوردند در جاهلیت ولی اینکه واجب است واجب نیست مستحب است بنابراین حکم مسئله معلوم نیست خود حج احداثش واجب است یا واجب نیست اگر اولین آیه باشد مناسب با چی هست فرض کنید هنوز نماز ذکر نشده حکم نماز بیان نشده بیایند بگویند آقا نماز را شروع کردی باید تکمیل کنی این تناسب دارد؟ هنوز حکم نماز بیان نشده .

شاگرد: جسارتاً استاد ما در روایات داریم که رسول مکرم اسلام در کل آن ایام هر سال پنهانی می­رفتند حج را انجام می­دادند این را قرینه بگیریم

استاد: حالا چون انجام می­دادند واجب است یا مستحب است مگر ما گفتیم حج نبوده حج از زمان ابراهیم بوده ولی واجب است یا مستحب از کجا واجب است چون پیغمبر انجام می­دادند مگر پیغمبر مستحب انجام نمی­دادند بحث اینکه واجب است یا مستحب است اصل انجام حج قدیمی است بحث این که آن چیزی که مناسب است در اولین آیه بیان بشود اصل حکم مسئله است حکم اصل مسئله است نه حکم تفریعات آن.

شاگرد: اینکه عبدالمطلب، سنت ابراهیم حنیف را انجام می­دادند می­توانیم این را قرینه بگیریم؟

استاد: حالا واجب بوده یا مستحب ؟

شاگرد: حتماً واجب بوده

استاد: نه چه کسی گفته مستحب بوده از کجا از کجا

شاگرد: خانواده کلید دار بودند

استاد: خانواده ها کلید دار بودند نمی­توانند مستحب باشد امامزاده ها متولی ندارند امامزاده مثل همین امامزاده ها متولی دارند

شاگرد: این روایت معاویه و زراره اصل این را به حضرت تمسک می­کنند روشن است خب یعنی اصلاً همان تمسک حج و عمره کافی بود سوال این است که انما نزلت بالمدینه

استاد: خب بحث سر این است من می­خواهم این که دارم عرض می­کنم می­خواهم بگویم که تکلمه آن است

شاگرد: من عرضم این بود آن مطلب رئیسی

استاد: آن مطلب رئیسی را بگذارید کنار آن بحثها ربطی به این بحثها ندارد نه این ظاهرش تعلیل است ولی نحوه تعلیل چه شکلی است بحث این است که باید ارتباط داشته باشد

شاگرد: تمسک روایت وجوب عمره مستقل را می­خواهد بیان کند

استاد: مستقل از کجا درمی­آید. حالا آن مطلب شما هیچ ارتباطی به بحث حاج آقا ندارد همین مطلبی که می­فرمایید حاج آقا دو احتمالی که وجود دارد. بحث سر این است که این عمره ای که اینجا هست می­تواند عمره مستقل باشد می­تواند عمره مستقل نباشد این روایت هم نمی­خواهد بگوید عمره مستقل واجب است نخیر اصلا عمره مستقل اصل العمره حالا چه در ضمن حج باشد چه در ضمن غیر حج.

شاگرد: طبیعی عمره است.

استاد: طبیعی عمره. اصل العمره این را توجه داشته باشید خب پس بنابراین نه عمره مستقله نه عمره مفرده این چیزی از آن درنمی­آید

شاگرد: این آیه اولین آیه حج بوده ما از قول مفسرین به اطمینان می­رسیم

استاد: نه من می­خواهم به عنوان موید ذکر بکنم می­خواهم بگویم آیه شریفه این استدلالی که آن بنده خداکرده نسبت به حج دارد امام علیه السلام تکیه شان روی اولین آیه نیست تکیه اش این است که تنها آیه عمره است تنها آیه خب طبیعتاً اولین آیه هم خواهد بود. نسبت به حج را نمی­گویم نسبت به عمره می­گوید این نسبت به عمره من از آن کلام این مطلب را می­خواهم بیاورم در مورد عمره می­خواهم تمسک کنم نه در مورد حج

شاگرد: همین عمره تمتع که حجة الوداع دوباره حکم پیدا کرده نشان نمی­دهد که عمره باز هم احکامی داشته که نازل شده شما خودتان قبول دارید که در حجة الوداع در مورد حج تمتع نکته ای بیان شد پس انما نزلت العمرة بالمدینه نمی­تواند معنیش این باشد که راجع به عمره هیچ چیزی

استاد: نه نه آن آیه نازل نشده نه نه ان هذا حج تمتع یعنی آیه قرآن در مورد عمره تمتع حج تمتع نازل نشده می­گوید جبرییل نازل شده در حجة الوداع به من دستور چیز داده

شاگرد: خود شما قبول کردید که نزلت العمره

استاد: دقت کنید نه اینکه آیه قرآنی را می­گوید حج تمتع یا حج إفراد و امثال اینها. با آن بحث فرق دارد. در مورد عمره یک آیه ای که ناظر به عمره باشد ما نداریم آیه ناظر به حج تمتع است حج تمتع یکی از اجزا آن عمره است آن یک بحث دیگر است.

حالا اجازه بدهید من یکی دو تا نکته دیگر می­خواهم عرض بکنم باز در تکمیل: این آیه شریفه این شکلی است یعنی یک نکته عرض کنم و یک دفع دخلی بکنم.

یک نکته دیگر اینکه مفسرین بعضیها گفتند این آیه در صلح حدیبیه نازل شده این هست بعضیها گفتند این آیه در صلح حدیبیه نازل باشد و این هم می­تواند موید این مطلب باشد که این برای دفع آن احتمال، حرفی هست که بعضی از مفسرین مطرح کردند این هم یک نکته تایید نکته مهمی که اینجا هست آن این است آیه شریفه می­گوید که أَتِمُّوا الحج و العمرة لله قید لله دارد اگر آیه ناظر به این باشد که این حجی را که شروع کردی پایان ببخشید این معنایش این است که اصل شروع حج مسئله آن روشن است یعنی بالاخره مسئله آن مطرح است خب بحث سر این هست که یک موقعی دارد اصل حکم حج را حکمش را بیان می­کند می­گوید آقا حج به جا بیاورید این حج هم عبادی است باید برای خدا انجام بگیرد خب طبیعی است که بگویید حج را به جا بیاورید آن هم برای خدا به جا بیاورید ولی کسی که حج را شروع کرده حج را شروع کرده این که تکمیل حج باید برای خدا باشد آیا توهم می­شود تکمیل حج یک شرطی داشته باشد غیر از مثلاً اصل حج برای خدا بودن در آن شرط نیست تکمیل آن باید برای خدا باشد این که احتمال نمی­رود این معنایش این است که اگر این باشد دیگر لله معنا ندارد اگر این توهم برود که در شروع حج باید لله بودن مراعات بشود در ادامه لله بودن لازم نیست خب این می­گوید بابا حجی که شروع کردید ادامه آن هم به خاطر خدا انجام بدهید خب این که توهم نمی­رود خود همین قید لله نشانگر این است که به اصل حج ناظر هست چون نسبت به اتمام حج احتمال عدم یعنی احتمال اینکه حکم اتمام حج از اصل حج متفاوت باشد نمی­رود این خودش هم موید هست که ناظر به اصل اتمام حج است خب این هم یک نکته.

اینها مویدات این مطلب که ناظر به شروع حج است یعنی شروع بکنید امر به شروع است امر به احداث است خب ممکن است از آن طرف اشکال کنید این آیه 196

شاگرد: این طور که شما فرمودید هر وقت لله بیاید در یک عمل عبادی ناظر به شروع است وسطش نیست

استاد: بله طبیعتاً همین طور است

یک نکته ای هم باز در مورد موید است عرض ­کنم : «اتموا»ای که در مورد صوم هست ما قبلاً اشاره کردیم که آن اتموا نمی­تواند قرینه باشد برای اینکه اتمو اینجا به معنای ایتوا بهما تامین باشد قرینه قوی نیست ولی فی الجمله قرینیت هم دارد چون اینها ادامه هم هستند یعنی هنوز همان یک سری آیات پشت سر همی هست که جنبه خطابی دارد يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ أَيَّامًا مَعْدُودَاتٍ فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ فِدْيَةٌ طَعَامُ مِسْكِينٍ فَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ وَأَنْ تَصُومُوا خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ. شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَىٰ وَالْفُرْقَانِ فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ و باز هم آیات به اصطلاح اشاره به صورت خطاب است أُحِلَّ لَكُمْ لَيْلَةَ الصِّيَامِ الرَّفَثُ إِلَىٰ نِسَائِكُمْ هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ بعد همین طور تا «ثُمَّ أَتِمُّوا الصِّيَامَ إِلَى اللَّيْلِ وَلَا تُبَاشِرُوهُنَّ وَأَنْتُمْ عَاكِفُونَ فِي الْمَسَاجِدِ» و «لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ» و امثال اینها ممکن است بگوییم که اینها همه آنها چون جنبه خطاب دارد و هنوز خطاب عوض نشده بگوییم این هم قرینه باشد برای اینکه این اتموا هم مثل «اتموا»ی ثُمَّ أَتِمُّوا الصِّيَامَ إِلَى اللَّيْلِ ناظر به اتمام هست البته خیلی قوی نیست چون خیلی فاصله دارد فاصله آن ثم اتموا آیه صد و هشتاد و هفت 9 آیه فاصله دارد این مقدار قرینیت قبلی ندارد ولو به عنوان یک قرینه قرینه ضعیف می­توانیم به این نگاه کنیم و امثال اینها

شاگرد: لزوم نیست که شما می­فرمایید قرینه بگیرید 9 آیه بعد آمده

استاد: نه من یک پیش فرض را که نمی­خواهم اینجا پیش فرض را بحث کنم به نظر ما سیاق همین آیه کنونی قرینیت دارد سیاق قرینه است و ترتیب نزول لازم نیست باشد اینها استدلاش بحثش سر جای خودش است خودش یک بحث مهمی هست بحث آنکه سیاق من در بحث بعضی بحثهای دیگر هم این را به عنوان اصل موضوع؛ این یک موقعی باشد من در مورد سیاق بحث می­کنم مفصل این را من اصل موضوع گرفتم که سیاق قرینیت دارد ولی خب هر چه فاصله بین دو تا آیه بیشتر بشود آن سیاق و یک پارچه بودن کمتر می­شود کمرنگتر می­شود

شاگرد: زمان نزول که این طوری جمع نشده

استاد: عرض کردم قرآن فعلی قرآن به شأن نزول ندارد قرآن فعلی به همین ترتیب آیات زمان پیغمبر نازل بوده این حالا استدلال در جای خودش من نمی­خواهم استدلال کنم قرآن ترتیب آیاتش در زمان پیغمبر انجام شده. ترتیب سور نه؛ ولی ترتیب آیاتش زمان پیغمبر بوده شواهد روشن تاریخی و غیر تاریخی در این مطلب وجود دارد حالا اجمالاً این مطلب را هم مطرح کنم هم هیچ قرآنی هیچ قرآنی که ترتیب آیاتش متفاوت با ترتیب این آیات باشد به دست نیامده حتی اخیراً مثلاً قرآن مصحف صنعا که هست یک قرائنی بر این اقامه کردند که این غیر از مصحف از مصحفهای عثمانی هم نیست این از مصحفهای قبل از مصحفهای عثمانی است قرائنی بر این مطلب آن ترتیب آیات هم همین آیات است ترتیب سورش نه. ترتیب سورش متفاوت است ولی ترتیب آیاتش چیز هست و از آن طرف مرحوم آقایی بروجردی هم شواهدی هم در درس خود اقامه می­کردند بر همین مطلب یک کتابی هست «*الحجه علی فصل الخطاب»* من این مطلب را در آن کتاب دیدم مرحوم بروجردی روی این مطلب اصرار دارند و می­گوید که تدوین سور قرآنی یعنی سوره های قرانی که به صورت یک سوره دربیاید و کنار هم قرار گرفتن همه آیات حالا نه به صورت با این ترتیب کل سور قرآنی در یک مجموعه ای بین الدفعتین قرار بگیرد این زمان پیغمبر بوده نه اینکه بعداً انجام گرفته و بعضی از روایات مخالفه را ایشان می­گویند روایت جعلی است و بحثهایی دارد که من نمی­خواهم وارد آن بشوم.

خب ببینید و أَتِمُّوا الحج و العمرة لله ممکن است شما بگویید که فان احصرتم این قرینه است برای اینکه ناظر به اتمام حج هست

 پاسخ مطلب این است که أَتِمُّوا الحج و العمره یک مفهوم دو تایی دارد أَتِمُّوا الحج یعنی حج را شروع کنید و تمام کنید أَتِمُّوا معنای ایتوا بهما تامین را وقتی بیان کنیم أَتِمُّوا الحج فرض کنید همان ثُمَّ أَتِمُّوا الصِّيَامَ إِلَى اللَّيْلِ این الی اللیل متعلق به چیست ثُمَّ أَتِمُّوا الصِّيَامَ إِلَى اللَّيْلِ به نظر می­رسد الی اللیل متعلق به می­گوید روزه را شروع کنید و تا شب ادامه بدهید اتموا یعنی احدث العمل و او را به پایان برسانید و به اعتبار او هم می­شود یعنی می­گویم أَتِمُّوا الحج و العمرة لله می­گوید حج عمره را شروع کنید و به پایان برسانید خب وقتی مفادش چنین شد فان احصرتم کاملاً طبیعی است فان احصرتم فمستیسر من الهدی

شاگرد: در وسط راه مگر نازل نشده

استاد: عرض کنم خدمت شما این اتفاقا فان احصرتم قرینه هست که در وسط راه نازل نشده بعد از حج نازل نشده حالا می­تواند در مدینه نازل شده باشد این نسبت به این مطلبی که شما می­گویید برخلافش است مطلبی که شما می­فرمایید برخلاف آن است می­گوید فان احصرتم اگر محصور شدید اگر دارد یعنی هنوز محصور نشدید فعلاً دستور به این نیست که وظیفه به عمل احصار بکنید اگر محصر شدید چه کار بکنید خب این در این نخوابیده که الان محصر هستید اگر محصر شدید اگر الان محصر شده باشید دیگر اگر ندارد اگر می­گوید حالا که محصر شدید چه کار کنید این نشانگر این است که به نحو قضیه شرطیه دارد بیان می­کند پس بنابراین هنوز محصر نشدید دیگر

شاگرد: شان نزولش آنجا همان آیه را آورده تطبیق داده

استاد:حالا صبر کنید بگذارید نمی­فهمم یک ذره شما تامل بکنید بحث را.

شاگرد: شما یک طوری می­فرمایید انگار این آیه همانجا برای اولین بار به گوش رسول الله رسیده این طور نیست که قبلش این تمام قرآن بر پیامبر مکرم اسلام نازل شده و نازل می­شده این طوری که شما تقریر می­فرمایید انگار آیه همانجا نازل شده نه قبلا نازل شده.

استاد: نه نه اینها را بگذارید کنار این ذهنیتی که شما دارید اینکه قرآن یکپارچه نازل شده آن یکپارچه نازل شدن. آن چیزی که مدار معنای آیات هست نزول دفعی آیات نیست، نزول تدریجی آیات است این چیزها را بگذارید فعلا کنار آن به اصطلاح ذهنیتی که کانّ پیغمبر. اینها یک چیزهایی هم دارد حالا من نمی­خواهم وارد بشوم به نزول دفعی و به نزول تدریجی ولی بحث این است که معنای آیات بر اساس نزول تدریجی است.

شاگرد: اینکه فرمودید دو معنا فهمیده می­شود بالاخره یعنی واقعا هر دو مراد هست

استاد: نه با توجه به این قرائنی که ما می­خواهیم بگوییم دفع اجمال می­خواهیم بکنیم بحث ما این است من عرض کردم هم خود لله را اگر دقت می­کردید از آن معلوم می­شود که دو تا معنا استفاده نمی­شود

شاگرد: ولی در نهایت هم پذیرفتید چون عبارت اتموا است

استاد: نه ذاتاً اتموا می­توانست هر دو معنا باشد ولی در این آیه مراد معنای دوم است هم به روایات هم خود آیه قرائنی که محفوف الکلام است

شاگرد: ولی به خاطر تناسب فان احصرتم چون عبارت اتموا است جا دارد گفته بشود

استاد: بله بنابراین احصرتم منافات ندارد با هر دو معنا سازگار است

شاگرد: و ظاهرش این است که اتمو ولو در مرحله احداث است ولی چون به معنای

استاد: نه احداث به این معنا اتموا یعنی احدثوا الحج و اتموا من این را می­خواهم بگویم دو معنایی است یعنی یک معنای مرکب است نه یک معنای بسیط است

شاگرد: یعنی شما از این آیه هم وجود احداث می­فرمایید هم وجود اتمام

استاد: بله همین را می­خواهم توضیح بدهم وجوب احداث را می­فهمیم وجوب اتمام بر کسی که حج واجب انجام می­دهد را می­فهمیم ولی بر حج مستحبی دیگر نمی­فهمیم چون فرض این است می­گوید شما واجب را شروع کنید و آن حجی را که شروع کردید به پایان برسانید حجی که قبلاً به آن امر وجوبی شده را می­گوید تمام کنید اما حج مستحبی را آن هم می­گوید تمام کنید؟ این را دیگه آیه دال نیست اگر از اول آیه بگوید که اگر حج را شروع کردید چه حج واجب باشد چه حج مستحب باشد آن را باید تمام کنید این دلیل بر این است که حج مستحبی هم با شروع واجب می­شود باید تکمیل بشود حج مستحبی با شروع اتمامش واجب می­شود. نه؛ این بنابراین معنایی که ما می­کنیم در آن بحثی که آیا حج مستحبی با شروع واجب می­شود دیگر نمی­شود به آن تمسک کرد بحث حاج آقا هم همین بحث است بحثی که آنجا به آن پرداختند یعنی که اگر عبارت را می­دید دیگر نمی­شود برای اتمام حج شروع به آن تمسک کرد چون آن بحثشان ذیل آن بحث است که آیا می­شود به این تمسک کرد و لزوم اتمام حج مستحبی با شروع باز هم ما می­گوییم نمی­شود به آن تمسک کرد چون این می­گوید که واجب است حج را شروع کنی و تمام کنی کما اینکه ثم أَتِمُّوا الصِّيَامَ إِلَى اللَّيْلِ ناظر به این نیست که روزه مستحبی چه حکمی دارد ثم أَتِمُّوا الصِّيَامَ إِلَى اللَّيْلِ ناظر به روزه ماه رمضان است قبل از آن بحث روزه ماه رمضان مطرح بوده و امثال اینها می­گوید واجب است روزه را شروع کنید و به پایان برسانید این بحث تمام.

فقط بحث تمام الحج لقاء الامام تمام الحج آن نحوه جمع بین ادله مانده که آن را هم فردا ان شاءالله در مورد آن توضیح خواهم داد

و صلی الله علی محمد و آل محمد.